

نداسجانی
خبرنگار

هرروزصبح وطبق همان عادات گذشته، به سمت قاب عکس قدیمی می‌رود که درگوشه‌ای ازسانل روی دیوارقرارگرفته؛ تصویری ازاستاد یا شاید بهتراست بگویم پدري دلسوزکه فخری ملک پورسال‌های عمرش را بااو وخطرات او سرمی‌کند. مرتضی خان درپشت پیانو و فخرالسادات در سن ۱۰ سالگی کناراو روی صندلی ایستاده است. دیدن این تصویرهمیشه برایش تازگی دارد و مانند همان روزگار شاگرد واستادی، احترام و ارادتی به استاد به جامی آورد و بعد از آن کارها و برنام‌های روزانه خود را شروع می‌کند.

۵۵ سال از درگذشت استاد مرتضی محجوبی می‌گذرد اما فخری ملک‌پور هنوز هم او را می‌ستاید و منش و شخصیت معلم خود را فراموش نکرده است و بزرگ‌ترین درس زندگی خود می‌داند...

مرتضی خان محجوبی از نوایغ موسیقی ایران است، نوازنده‌ای که در خانواده‌ای اهل هنر و علاقه‌مند به موسیقی متولد شده و عشق به کلاویه‌های پیانو که از همان دوران کودکی با حرکت دستان مادر به گوشش آشنا بود او را به وادی هنر کشاند و توانست از سن ۶ سالگی نبوغ خود را به نمایش بگذارد و بعد آن آرام آرام اوختن را آغاز کرد و نوازنده‌ای چیره دست به ساز پیانو شد. اما نگاه او به این ساز غربی متفاوت از دیگر نوازندگان پیانو بود. آشنایی و حشر و نشر با بزرگان موسیقی ایرانی و شنیدن نغمه و نواهای دلنشین آن، مرتضی خان را برآن داشت تا اتفاقی نو در تپ‌های پیانو خلق کند و سرانجام این اتفاق، تدوین کوک ایرانی برای سازی غربی بود که از او به یادگار مانده است و همچنان آموخته و آموزش داده می‌شود. بی‌تردید مرتضی محجوبی یکی از بنیانگذاران موسیقی ملی ایران بشود. از این استاد بزرگ تصنیف‌های فراوان و زیبایی از برنامه گلها با صدای غلامحسین بنان و اشعار رهی معیری به یادگار مانده است و چه زیبا فریدون مشیری می‌سراید: «یاد باد آن همدلی، آن همدلی، آن هم‌رهی / ساز محجوبی و آواز بنان، شعر رهی...»

پرویش و تربیت در خانواده اهل هنر

بانو فخری ملک‌پور راوی و میراث‌دار ادب و هنر استادش مرتضی محجوبی است. ملک‌پور متولد یکم مهرماه به سال ۱۳۱۴ است. او در خانواده‌ای هنردوست پرورش یافت. پدرش سیدذبیح‌الله ملک‌پور، از تجار معتبر ایران بود و دستی هم بر ساز داشت و آشنا و علاقه‌مند به تار، سه تار و پیانو و شب تک‌تایر گذاری بسیاری در مسیر هنری فرزندان داشته است.

در منزل بانوملک پورعطر موسیقی را به‌خوبی استشمام می‌کنید؛ سه پیانو با رنگ‌های مختلف که هر کدام در گوشه‌ای از سالن قرار گرفته و دیواری که با تصویر بزرگان موسیقی مزین شده است؛ مرتضی محجوبی، احمد عبادی، ادیب خوانساری، حسن کسایی، جلیل شهنار، پرویز یاحقی، ارسلان درگاهی، عبدالوهاب شهیدی، انوشیروان روحانی، محمدرضا شجریان، فرهنگ شریف، بیژن ترقی، اسدالله ملک و بانو ملوک ضرابی که به گفته خودشان کودکی با این بانوی بزرگ آشنایی داشته و درس‌های بسیاری از او آموخته است. عشق به موسیقی هنوز هم در اوزانده است. با اشتیاق پشت پیانو می‌نشیند و انگشتانش را روی کلاویه‌های پیانو به حرکت درآورد و همچنان مانند گذشته با شوق بسیار می‌نوازد... بر چهره ماخوذه به حیايش بچند همیشه نقش بسته است و به آرامی و متانت سخن می‌گوید. از علاقه

و انگیزه‌اش برای موسیقی جوی می‌شوم: «از دوران کودکی با صدای موسیقی انس داشتم و این صدا همیشه درمنزل ما شنیده می‌شد و با صدای موسیقی بزرگ شدم. پدرم و مایقی سازها را هم کنار گذاشتم. زیبایی آوازی خواند و سه تار می‌نواخت. آن دوران پدرم با استادان بزرگ موسیقی رفت و آمد بسیار داشت و روزهای سه‌شنبه از ساعت حدود ۱۱ صبح تا ۷ شب به منزل ما می‌آمدند. استادان مرتضی محجوبی و رهی معیری هم پای ثابت این محافل و میهمانی‌ها بودند و همین موضوع موجب علاقه‌مندی و گرایش من به موسیقی و شعر شد و سرانجام به درخواست خود آقای محجوبی آموزش نوازندگی پیانو را از سن ۷ سالگی در کنار این استاد بزرگ آغاز کردم. مرتضی خان با پدرم صحبت کرده بود که دختر شما علاقه‌مند به موسیقی است و پیشنهاد کرد که این مسیر را ادامه بدهم. آقای محجوبی و پدرم مانند دو برادر بودند؛ بسیار صمیمی و دوستانه و چون فرزندی نداشت من را دوست داشت و من نیز بسیار دوستشان داشتم البته در کنار آن حرف شوی هم می‌کردم. علاوه بر نوازندگی علاقه بسیاری هم به شعر داشتم و شاید این علاقه‌مندی به سبب حضور بزرگانی چون رهی معیری باشد.»

فخری ملک پور تبحر بسیاری هم در نواختن سه تار دارد و این ساز را در محضر استاد احمد عبادی تلمذ کرده است اما به درخواست عبادی نوازندگی سه تار را برای همیشه کنار می‌گذارد: «آموزش سه تار را ۴ سال با استاد عبادی کار کردم و خیلی هم علاقه داشتم و تقریباً خوب می‌نواختم. آقای عبادی و همسرش نصرت خانم بسیاریه منزل ما می‌آمدند و من را دوست داشتند و من هم مانند پدرم بسیار دوستشان داشتم. یک روز آقای عبادی تلفن کرد و گفت دوست دارم امروز به منزل ما بیایی و ببینمت. آن زمان آقای محجوبی فوت کرده بود. به آنجا رفتم، نصرت خانم هم بود، من را کنار پیانو نشاند و خودش هم در صندلی کناری من نشست و گفت دخترم می‌خواهم موضوعی را با تو مطرح کنم اما یک شرط دارد. می‌اداد ناراحت شوی! ابتدا خیلی ترسیدم و گفتم چشم استاد بفرمایید. آقای عبادی گفت: تو خیلی خوب سه تار می‌نوازی و حیفم می‌آید که این کار را ادامه دهی اما یک خواهشی از تو دارم و می‌خواهم دیگر هیچ که دست به سه تار نزنی. با شنیدن این حرف بسیار شوکه شدم و چرا خودم گفتم استاد خطایی از من سر زده؟ گفت نه دخترم توبه به زیبایی پیانو می‌نوازی و مرتضی خان هم دیگر در بین ما نیست و باید شیوه نوازندگی او ادامه

یابد. دلم می‌خواهد تو این سبک را ادامه بدهی و همیشه پیانو بنوازی و سازهای دیگر را دنبال نکنی. خیلی ناراحت شدم و بسیار گریه کردم و بعد از آن روز دیگر دست به سه تار نزدم و مایقی سازها را هم کنار گذاشتم. آن زمان من ۹ تا ساز داشتم که مونس من بودند اما به خواهش استاد عبادی دیگر سراغ هیچ کدام آنها نرفتم، ولی هرگاه که سه تار را می‌دیدم چشمم منم پر از اشک می‌شد. البته آن دوران تبحر بیشترم در پیانونوازی بود و دوره آموزشی‌ام را به‌طور کامل به پایان رسانده بودم.»

تلمذ در محضر بزرگان موسیقی

از او درمورد علاقه‌اش به خواندن آواز می‌پرسم که می‌گوید: «من عاشق نواختن ساز بودم البته آواز را هم دوست داشتم اما هیچ‌گاه دنبال نکردم. پدرم صدای بسیار زیبایی داشت و درست و با اصول می‌خواند و با استادانی چون غلامحسین بنان، ادیب خوانساری در ارتباط بود و از این بزرگواران خواهش کرده بود به منزل ما بیایند و ردیف‌های آوازی را به من آموزش بدهند و بر همین اساس توانستم ردیف‌های آوازی و جواب آواز را از آقای ادیب خوانساری بیاموزم. جواب آواز بسیار سخت و مشکل است و همه افراد توانایی انجام این کار را ندارند اما آقای خوانساری عاشقانه این کار را به من آموختند. استادان محجوبی و خوانساری افتخار زندگی من هستند. از این حسین تهرانی هم نواختن تنبک را آموختم و البته در محضر دیگر هنرمندان بزرگ موسیقی ایران همچون علی تجویدی هم تلمذ کرده‌ام و تمامی آهنگسازی را از ایشان آموختم. زمانی این استادان در این مسیر کمک بسیاری به من داشته‌اند و افتخار امروز را مدیون این بزرگواران هستم. حدود ۶-۵ ماه هم نزد آقای جواد معرفتی پیانو کار می‌کردم آن زمان کلاس هفتم بودم اما نتوانستم این شیوه را ادامه بدهم و علاقه‌ای هم نداشتم از ساز ایرانی به سمت سازفرنگی بروم»، در سال‌هایی که بانو ملک‌پور موسیقی را دنبال می‌کرد این ذوق و شوق خانواده بود که او را در این مسیر هیچ‌گاه ناامید نکرد و تدبیر پدر و دوستی با بزرگان موسیقی موجب شد تنها فرزند سید ذبیح‌الله ملک‌پور موسیقی را زیر نظر بهترین استادان آموزش ببیند. فخری ملک‌پور در مورد نقش خانواده در آموختن درست مسیر زندگی و گرایش به هنر و موسیقی پاسخ می‌دهد: «پدر و مادر نقش مهمی در پرورش و تربیت فرزندان خویش دارند بویژه آنکه آموزش‌های مهم و اولیه در همان دوران کودکی در ذهن فرزند شکل می‌گیرد، بنابراین باید انتخاب

درستی داشته باشند. برخی از خانواده‌ها هیچ علاقه‌ای به موسیقی ندارند و انگیزه‌ای هم برای آموزش آن به فرزندان خود نمی‌بینند. عده‌ای دیگر هم علاقه‌مند به هنر و موسیقی هستند و البته سبک‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. برخی هم به موسیقی کلاسیک غربی علاقه‌مندند و برخی دیگر موسیقی‌هایی چون پاپ، ایرانی و... این موسیقی‌ها هر کدام دنیایی دارد...». استاد ی محجوبی آنچه از صدای پیانو شنیده می‌شد نت‌هایی برگرفته از موسیقی کلاسیک غربی بود البته پیش‌تر مشیرهمایون شهردار کوک ایرانی را روی پیانو پیاده کرده بود اما در سبکی متفاوت و مرتضی خان توانست شیوه‌ای نوین-درنت‌های این ساز ابداع کند و فخری ملک‌پور میرد استاد و حافظ سرپنجه‌های هنر خیز مرتضی خان که مانند او با صلابت و قدرت می‌نوازد، تمامی دست‌نوشته‌های معلمش را در یک کتاب با عنوان «مشق استاد» جمع‌آوری و منتشر کرد تا ره روی الگویی باشد برای کسانی که مشتاق به آموختن پیانو ایرانی هستند. انتشار دست‌نوشته‌های مرتضی محجوبی یکی از مهم‌ترین کارهای فخری ملک‌پور در ثبت اسناد باقیمه موسیقی است. او درمورد این اثر بیان می‌کند: «۴۰سال طول کشید تا «مشق استاد» نوشته شد و این همان شیوه آموزشی مرتضی خان است که از او سینه به سینه آموخته‌ام و سه همراه ۳ سی‌دی هستند. از این حسین تهرانی هم نواختن «مشق استاد» اجرای ردیف موسیقی دستگاهی به روایت مرتضی محجوبی است. در این سال‌ها خود من نیز تا آنجا که در توانم بوده این شیوه را به هنرجویان تدریس کرده‌ام البته بدون دریافت هیچ وجه نقدی همان‌گونه که از استادم آموختم و علم خود را صرف آموزش کرده‌ام آنکه راه کسب درآمدی برای خود بیاندازم. بسیار خوشحالم در این سال‌ها از این کتاب بخوبی استقبال شده است و نسل امروز آن را دنبال می‌کند هرچند متأسفانه اغلب جوانان بیشتر به سازها و کوک‌های فرنگی گرایش دارند. کوک کردن پیانو با نت ایرانی بسیار مشکل است. فرزندانم هم در خارج از ایران پیانو می‌نوازند و بسیار اصرار داشتند در آنجا بمانند و زندگی کنم اما خودم وطنم و دینم هستم و تا زمانی که زنده‌ام شیوه استادم را آموزش خواهم داد. آنقدر نسبت به مرتضی خان متعصب هستم که حاضر نیستم کسی در مورد ایشان سخن بگوید. رضا محجوبی برادر مرتضی خان است نوازنده ویلون که سرپنجه‌های شیرینش مسحورکننده بود. زنا ۲۹ تیرماه ۱۳۳۳ درگذشت. محجوبی را به‌واسطه سرانجام به اصرار این کار انجام شد و بعد

آن آقای پیرنیان گفت همین الان شما و آقای افتتاح و مرتضی خان باید به استودیو بروید؛ ساعت ۳ شب بود خلاصه با همراهی پدرم به استودیو رفتیم. بسیار استرس داشتم و پشت پیانو نشستم. آقای پیرنیان گفت دشتی بزن و آقای محمودی خوانساری هم که همراه این جمع بود بسیار زیبا آواز خواند و من نیز یک تصنیف خواندم. وقتی کار به پایان رسید یک حال عجیبی داشتم. بعد از آن استودیو دیگری رفتیم و کارهای دیگر نواختم و آقای عبدالوهاب شهیدی به همان زیبایی همیشگی شان خواندند. این کار هنوز منتشر نشده است و به نظر من می‌کرد اما در باطن و به لحاظ معنوی فقیر نبود همیشه هم می‌گفت دو تومن بده اگر هم بیشتر می‌دادی قبول نمی‌کرد. او این پول را برمی‌داشت و برای خود خوراک می‌خرید و مایقی آن را به افراد بی‌ضرعت کمک می‌کرد و تا مسیر منزل مرتضی خان و یولن می‌نواخت و اگر می‌دید کسی لباسی بر تن ندارد کت و شلوار ش را به او هدیه می‌داد. «آثاری که از بانو ملک‌پور به یادگار مانده ساز آواز یا پیانو بوده همچون «آه باران» یا صدای محمدرضا شجریان، «به که مانی» یا صدای مظفر شفیعی و آلبوم‌های آهنگساز فعالیت چندانی نداشته است. او درمورد علاقه‌مندی‌اش به موسیقی به منزل ما می‌آمدند و گاهی جمعیت آنقدر زیاد می‌آمد...». «طرب انگیز» و ایشان در زمینه احترام گفت این خنم آشنای من است اگر امکانش هست علاقه دارد نواختن پیانو را یاد بگیرد اما من گفتم فرصت کم است و نمی‌توانم. سرانجام نزد یکی از شاگردانم بمدت دو سال آموزش دید. این خانم نتهایی را که سال‌ها پیش از مرتضی خان به یادگار داشتم و نگهداری کرده بودم بدون هماهنگی و اجازه من و کوچکترین اطلاع به خط من بین المللی تبدیل کرد. هرگاه یاد این موضوع می‌افتم حالم دگرگون می‌شود و بسیار از دست این خانم ناراحت هستم. در ادامه این کار نادرست از یکی از شاگردانم که در تارنیش تحصیل می‌کند و به ایران آمده بود به‌نام آقای شهرام محذوف خواستم کتاب «مشق استاد» را به نت بین‌المللی تبدیل کند که حالم به شدت بهمکاری من با این آقا بوده است و البته حاوی یادداشت مستقل و بلند از علی‌رضا میر علیقتی است. من به خواست همیشگی خودم حتی یک ریال هم بابت این کار دریافت نکردم و در مجموع از حسن سلوک و رفتار آقای محذوف راضی هستم اما هیچ‌گاه آن خاطرات بد را از آن همه خدمت و ناشایستی از برخی افراد که دیدم فراموش نخواهم کرد.

موسیقی هدم من است

مرتضی محجوبی آثار بسیاری در برنامه گلها به یادگار گذاشته است اما شاگرد ارشد او چندان علاقه‌ای به حضور در برنامه‌های رادیویی نداشت و ترجیحش آن بود کمتر در چنین کارهایی شرکت کند. فخری ملک‌پور از خاطرات آن دوران اینگونه تعریف می‌کند: «آقای داوود پیرنیان بسیار اصرار داشتند در رادیو ساز بنوازم اما پدرم اجازه نمی‌داد یک روز در منزل پدرم (در شیران) میهمانی بزرگی برقرار بود و بساط موسیقی و ساز و آواز پراپ، آن زمان حدوداً ۲۲ سالم بود. مرتضی خان بود. آقای پیرنیان از من خواست که پیانو بخوانم و تصنیفی بخوانم اما اجرات این را نداشتم در حضور استادم چنین کاری را انجام بدهم و سرانجام به اصرار این کار انجام شد و بعد

نسیم بهاری

مجموعه دونوازی پیانو فخری ملک‌پور و محمود رفیعیان نوازنده جوان ساز تنبک است که در دستگاه‌های همایون و شور و سه تار نواخته شده و فروردین ۹۵ از سوی انتشارات حوزه هنری اصفهان منتشر شد. این اثر موسیقی بی‌کلام بوده و آخرین اثر این بانوی هنرمند است.

در آینه خیال

مجموعه همنوازی و بداهه‌نوازی پیانو فخری ملک‌پور به همراه تار مهیار مشفق و تنبک نوازی شادروان بهزاد رضوی نیا و سعید جلالیان در دستگاه‌های ماهور، همایون و سه‌گاه است که از سوی مؤسسه آوای هنر و انتشارات حوزه هنری اصفهان منتشر شد. اجراهای این آلبوم مربوط به سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ است.

به به مانی

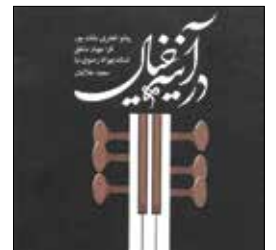
مجموعه ساز و آوازی است به همراه پیانو فخری ملک‌پور و تار مهیار و با صدای مظفر شفیعی؛ این اثر شامل دو بخش آوازی «شور مرکب» و «افشاری» است که از اشعار حافظ و سعدی در آن استفاده شده. همچنین تصنیف‌های بیات ترک، افشاری، ابوعطا، ماهور، همایون، بیات اصفهان، سه‌گاه، چهارگاه، نوا و راست پنجه‌ها است.

مشق استاد

دست‌نوشته‌های مرتضی محجوبی به کوشش و گردآوری فخری ملک‌پور نوازنده پیشگوسوت پیانو به همراه سه لوح فشرده از خودش است. این مجموعه شامل ردیف موسیقی ایرانی در دستگاه‌ها و آوازهای شور، دشتی، بیات ترک، افشاری، ابوعطا، ماهور، همایون، بیات اصفهان، سه‌گاه، چهارگاه، نوا و راست پنجه‌ها است.

آه باران

مجموعه‌ای است به یاد بزرگانی همچون مرتضی یاحقی، مرتضی محجوبی، رهی معیری و غلامحسین بنان که مرزا انصاری در حال و هوای موسیقی گل‌ها تنظیم کرده است. این آلبوم شامل هفت قطعه درمایه دشتی است با صدای محمد رضا شجریان با همراهی پیانو فخری ملک‌پور. تار فرهنگ شریف و تنبک همایون شجریان.



طرب انگیز

اولین مجموعه مدون از قطعات ضربی اجرا شده با پیانو تغییر کوک یافته در مکتب مرتضی محجوبی است که فخری ملک‌پور و تنبک‌نوازی سعید رودباری آن را اجرا کرده است. قطعات ضربی اجرا شده در این آلبوم گزیده‌ای از پیش‌درآمدها، چهارمضراب‌ها، تصانیف و رنگ‌ها، در دستگاه‌های سه‌گاه، همایون، شور و نوا، و آوازهای اصفهان، ابوعطا، افشاری و دشتی است.

برای فخر ملک پیانوی ایرانی

بانوی هنرمند، فخری ملک‌پور (مدرس) یکی از نمونه‌های عالی برای مفهوم «مکتب‌داری» در موسیقی کلاسیک ایرانی است. همین موضوع قدر و مرتبه ایشان را بسی بالاتر از یک نوازنده دانا و با احساس ترسیم می‌کند. از چندین جهت، مقام ایشان در موسیقی کلاسیک ایرانی، ممتاز و متمایز از دیگر کسانی است که در ساز تخصصی خود، عمر صرف کرده و برحسب استعدادشان به مقامی رسیده‌اند. اگر بخواهیم این مقام والا در فشرده‌ترین عبارت خلاصه کنیم حاصلش همین چند کلمه است: مسئولیت فرهنگی و انسانی.

اما حاصل عمری هشتاد و پنج ساله، آن هم با هفتاد و چند سال سابقه حضور در موسیقی، در این کلام فشرده، فهمیده نخواهد شد. نگارنده در این یادداشت مختصر که از سر ارادتی بوده نه برحسب یاقینی که نداشته‌ام، سعی دارم فهرست وار، تعدادی از این خصوصیات را که وجود گوهرین بانو ملک‌پور را معرفی می‌کنند، توضیح دهم. امیدوارم کاستی‌های ذهن و زبان این کمترین ارادتمندشان را بیخشند و نادیده بگیرند.

بانو ملک‌پور از «استاد دیده‌ترین» هنرمندان هستند. تنها سایه رفیع استاد مرتضی محجوبی بالای سر ایشان نبوده است. منظومه درخشانی از نام‌های بلند و جاویدان در محیط پرورش و آموزش‌شان حضور داشته‌اند: عبدالحسین شهنازی، حسین تهرانی، احمد عبادی، ادیب خوانساری، رهی معیری و... خلاصه، یک نسل طلایی از بزرگ‌ترین هنرمندان، معلمان ذوق و استعداد ایشان بوده‌اند. چنین فرصتی در آن زمان هم برای هر کسی وجود نداشت و امروز، امروز فقط می‌توان آن را جزو آرزوهای محال قلمداد کرد. پدر هنرشناس ایشان، شادروان ذبیح‌الله ملک‌پور از هیچ امکانی برای پرورش چنین ذوق لطیف و گیرایی فروگذار نکرده و غیر از موسیقی، در سایر زمینه‌های ادبی و فرهنگی نیز بهترین استادان زمان را به خدمت گرفته بودند: از خوشنویسی تا شعر و ادب و از جغرافیا و تاریخ تا زبان آموزی. بانو ملک پور سال‌های آغازین عمر را در غنی‌ترین محیط ممکن گذرانده و به بهترین نحو آموزش دیده‌اند.

بانو ملک‌پور، ثمره همه آموخته‌هایشان را در نوازندگی پیانو ایرانی به شیوه استاد محجوبی به کار گرفته‌اند: لطافت زخمه‌های سه تار، شیرینی هنر ضربی خوانی و تنبک نوازی، کشش‌های حالات تازیانه هنر آواز ایرانی، و شعرشناسی، همه و همه، در نوازندگی و پراحساس خانم ملک‌پور، قابل شناسایی‌اند. اصولاً هنر نوازندگی پیانو ایرانی به ردیف شناسی و واختن یک ساز اصیل ایرانی (بویژه سه تار) بسیار وابسته است و شخص استاد محجوبی نیز چنین مسیری را در اوایل عمر پیموه بودند و به شاگردان مستعدشان نیز سفارش می‌کردند.

بانو ملک‌پور عزیز، در تمام این هفتاد و چند سال نوازندگی پیانو وفاداری تام و تمام خود را به اصول و فنون و ظرایف ریش استادشان، مرتضی خان محجوبی حفظ کرده و از تجربه و گرای‌های بی‌قاعده او در دخل و تصرف‌های دلخواهی می‌آموزش‌های استادشان پرهیز داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های هنرمند کلاسیک، همین است: اصرار بر حفظ دقیق چارچوب‌ها و پرورش احساس آزاد در محدوده آن، که هنرمند مستعد را در آن واحد، هم‌اصل و هم‌خلق می‌کند. پای‌بندی ایشان به روش استادشان، در لحظه لحظه اجرایشان معلوم است ولی تفاوت‌های شخصی و احساسی هر دو نفر نیز مشخص است. باید اذعان کرد که تا امروز هیچ‌کدام از شاگردان خانم ملک‌پور، نتوانسته‌اند در حد و حدود استادشان، این حد از اصالت و فردیت را عملی‌شان و بدهند و می‌توان گفت هنوز هم شباهت ظاهری و باطنی اجرای بانو ملک‌پور به اجرای استاد محجوبی، بیش از همه افرادی است که می‌شناسیم.

بانو ملک پور یک نته به اندازه چند شاگرد وفادار کار کرده و چراغ مکتب خانم محجوبی را روشن نگه داشته‌اند. چهل سال اخیر زندگیشان وقف این کار بوده و به تمامی لایق واژه «وقف» است. تاریخ موسیقی ایران، حتی در حد یک نفر، یاد ندارد کسی را که سال‌ها و سال‌ها، دهها شاگرد را بدون پدریش دیناری و بدون هیچ توقعی آموزش بدهد و تنها خواسته‌اش رعایت شئونات هنری و اخلاقی باشد. دریغ که این هنرمند فدای‌ها و نیز همنوازی‌های ایشان با هنرمدان گوناگون به دست‌انزدانان عرضه شده است. خانم ملک‌پور دارای صدای خوش‌موزنی بوده و قریحه آهنگساز نیز دارند و آثاری را به همراه ترانه‌سرایان بزرگ معاصر ساخته‌اند.

چنین تاج گل هزار رنگ، عطری و بویی دارد که تأثیر لطیف آن برای عارف و عامی قابل درک است. موسیقی، در کالبد خویش، مجموعه‌ای از دانش و مهارت است که روح و روان این کالبد را دنیای درونی، سلوک معنوی و عواطف انسانی تشکیل می‌دهد. میزان نیرومندی نفوذ و ایجاد شور و حال و تقویت حس زیباییشناسی در موسیقی، بسته به کیفیت و نوع درونیات هنرمند است. از یک برنامه‌کنناواری و بداهه‌پردازی تا آفرینش یک قطعه ماندگار (به شرط اجرای درست)، می‌توان جهان درون هنرمند را احس کرد. به تصدیق همگان، اجرای خانم ملک‌پور درسین گوناگون عمر، همگی حاوی احساسی آکنده از لطافت، پاکیزگی، آرامش نوعی «رهایی» از رُف و زیباییست که بیش از این در وصف نیاید و باید بارها در خلوت شنید و شنید و با آن همدلی کرد تا بتوان در آن وارد شد. تا جایی که نگارنده در مدت ۲۲ سال افتخار معاشرت با ایشان مشاهده کرده، متأسفانه هیچ‌کدام از شاگردانشان با همه توانایی‌های تکنیکی‌ای که به مقتضای نیروی جوانی دارند، نتوانسته‌اند در احراز چنین حدی از حال لطیف و جمال شناسی، حتی قدمی به حیرم ایشان نزدیک شوند. هر بار که سعادت یار می‌شود تا ریا ریا ایشان یادداشتی بنویسم، می‌بینم حق مطلب ادا نشده و هنر والای خانم ملک‌پور خود بهترین معرف است. استاد محجوبی در شناخت شخصیت و استعداد و اشتباه نکرده بود. او شاگردش را مثل فرزندش دوست داشت و در آخرین دیدار در فردگاه مهرآباد، به دوستان هنرمندش (استادان: عبادی، تهرانی و...) با یادیدگان گریان گفته بود: این دختر جانشین من است و یادگار من بین شماست. پنجاه و پنج سال گذشته است، خانم ملک‌پور با هنرمدان گوناگون به بهترین پیانوی ایرانی، چقدر «راست‌تر از راست» بوده است. عمر تان پروام فخری خانم عزیز و گرامی.